

## تل بکیان

### گزینه‌ای مناسب برای مطالعه فاز گذار از فارس قدیم به جدید

محمد کرمی\*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

**چکیده:** دشت‌های میان‌کوهی مکان‌های بسیار مناسبی برای استقرار در مناطق کوهستانی هستند. یکی از این دشت‌ها در منطقه شمال استان فارس با نام دشت بکیان واقع شده است. در اینجا تپه باستانی نسبتاً بزرگی در نزدیکی روستای بکیان قرار گرفته که با توجه به سفال‌های سطحی به نظر می‌رسد که استقرارهایی از دوره‌های فارس قدیم و جدید در آن وجود داشته باشد. در این مقاله سعی بر این است تا ضمن معرفی سفال‌های این محوطه، اهمیت فاز عتیق فارس در منطقه شمال فارس مورد بررسی قرار گیرد.

**کلید واژگان:** بکیان، فارس قدیم، درودزن، باکون الف، دشت میان‌کوهی.

\* کارشناس بخش سفال موزه ملی ایران.

**مقدمه:**

نسبتاً بزرگ بکیان در حاشیه رود بزرگ کر یکی از همین دشت‌هاست. به علت قرار گرفتن سد درودزن در حاشیه جنوب شرقی آن و همچنین رودخانه کر در غرب آن، سطح آب‌های زیرزمینی و رطوبت نسبی دشت بالا و در ترکیب خاک حاصلخیز و تیره رنگ دشت، موقعیت بسیار مناسبی را جهت کشاورزی دیم و آبیاری فراهم کرده است. محصولات اصلی کشاورزی را برنج و گندم تشکیل می‌دهند. همچنین دامداری از مشاغل اصلی محسوب می‌شود. پوشش گیاهی کوهستانی منطقه را نیز بوته‌ها، درختچه‌ها و بادام کوهی (ماژک) تشکیل می‌دهند (نقشه ۱).

**پیشینه مطالعاتی**

اولین فعالیت‌های باستان‌شناختی در منطقه درودزن در استان فارس توسط ک. برگر در ۱۹۳۶ میلادی انجام شد. پس از گذشت ده سال نیکول در ۱۹۶۷ مجدداً در این منطقه شروع به فعالیت‌های باستان‌شناختی نمود. اما نخستین بررسی دره رود بزرگ کر توسط م. روزنبرگ انجام شد (نگهبان، ۱۳۷۶: ۵۰۵-۴۸۷). بالاخره در ۱۳۷۴ خورشیدی بررسی گسترده‌ای با عنوان "بررسی‌های باستان‌شناسی-انسان‌شناسی در دره‌های رود کر و ناحیه شمال‌غربی مرودشت فارس" به سرپرستی ع. عزیزاده صورت گرفت که از جمله اهداف آن شناخت ساختار جمعیتی منطقه و الگوی اسکان در دوره‌های گوناگون، شناخت رفتارهای مادی کوچ‌نشینان منطقه، الگو و

استان فارس با وسعت زیاد و ساختار زمین‌شناسی خاص، جایگاه مناسبی برای استقرار در دوره‌های مختلف باستانی و تاریخی بوده است. در حالیکه در جنوب این سرزمین با دشت‌های پست و آب‌وهوای گرم و نسبتاً خشک و محصولات ویژه آن روبرو هستیم، شمال فارس آب‌وهوای نسبتاً معتدل، پوشش گیاهی متفاوت و منطقه‌ای کوهستانی داراست. وجود رشته ارتفاعات بلند حاشیه جنوبی زاگرس در این قسمت، رودخانه‌های دایمی همچون کر و از طرفی دشت‌های میان‌کوهی سبب گشته تا نشانه‌های استقراری آغازین انسان در فارس از این منطقه بدست آید. در بهار سال ۱۳۸۵ طی پروژه تعیین موقعیت جغرافیایی برخی از محوطه‌های باستانی استان فارس از تل بکیان در دشتی به همین نام بازدید شد که در این مقاله به معرفی آن پرداخته خواهد شد.

**دشت بکیان و ساختار جغرافیایی منطقه**

دشت بکیان در منطقه‌ای کوهستانی قرار گرفته است. این دشت از جنوب و جنوب‌شرق به سد درودزن، از شمال و شمال‌غرب به کوه کر، از شرق به دشت بکان و از سوی غرب به ارتفاعات مشهدوبیلو محدود می‌شود. با توجه به ارتفاعات منطقه و دره‌های عمیق، دشت‌های میان‌کوهی که تعداد آن‌ها زیاد نیست، نقش بسزایی در پراکندگی الگوی استقراری انسانی دارند. دشت میان‌کوهی

سنگ قبرها، هم‌اکنون هم از این محوطه برای دفن اجساد استفاده می‌شود، فعالیت‌های کشاورزی که مهمترین عامل محسوب می‌شود و ریختن زباله و نخاله‌های ساختمانی و مصرفی - به دلیل قرار گرفتن در نزدیکی روستای مسکونی - همگی عواملی هستند که در تخریب تل بکیان نقش به‌سزایی دارند (تصویر ۲). سازه‌های گلی و خشتی بیشتر در جنوب و جنوب‌غرب تپه و گورستان در سوی شرق و شمال‌شرق آن قرار گرفته است. همچنین جاده خاکی ایجاد شده در دامنه غربی تپه راه را برای ماشین‌های حامل نخاله‌های ساختمانی و زباله‌های مصرفی باز و چهره تپه را به شدت مخدوش کرده است به طوری که در بسیاری از نقاط تپه بررسی و مشاهده سفال‌های سطحی امکان‌پذیر نبود.

#### پراکندگی سطحی سفال در محوطه

به جز قسمتی از تپه (جنوب غرب) که در آن ساختارهای خشتی وجود دارد و در میان آن‌ها سفال‌های اسلامی دیده می‌شود، در مناطق دیگر محوطه سفال‌ها تاریخی و اسلامی به چشم نمی‌خورد و یا تعداد آن‌ها محدود است و وجود این‌گونه سفال‌ها شاید به استقرار در همین سازه‌های خشتی بازگردد. این سفال‌ها به دوره متاخر اسلامی تعلق دارند. پراکندگی سفال‌های عتیق در دامنه جنوبی تپه بیشتر از نقاط دیگر آن به چشم می‌خورد و در این قسمت از تراکم سفال‌های منقوش کاسته شده است. در عوض، تراکم سفال منقوش باکون الف در دامنه غربی تپه بیش از سایر نقاط آن است. شرق و شمال‌شرقی

مسیر کوچ آن‌ها، ارزیابی منابع زیست‌محیطی مورد استفاده کوچ‌نشینان و شناخت ساختار روابط مادی آن‌ها با جوامع کشاورز منطقه بود (علیزاده ۶۷:۱۳۷۶). این بررسی گسترده دشت بکان در مجاورت دشت بکیان را نیز شامل می‌شد.

#### موقعیت جغرافیایی محوطه

تل بکیان در موقعیت  $30^{\circ} 19' 19''$  شمالی و  $52^{\circ} 15' 60''$  شرقی با ارتفاع ۱۷۰۱ متر از سطح دریای آزاد در دشت میان کوهی بکیان قرار گرفته است (تصویر ۳). در نزدیکی سد درودزن در جاده کامفیروز پس از عبور از روستاهای قلعه کهنه و پالنگری، جاده آسفالته دوراهی می‌شود که راه سمت چپ به سوی دشت بکیان می‌رود. پس از طی مسافتی در حدود ۵ کیلومتر به روستای بکیان می‌رسیم و در ۵۰۰ متری غرب و جنوب غربی روستا، تل نسبتاً بزرگ بکیان در میان زمین‌های کشاورزی دیده می‌شود. جاده خاکی باریک ماشین‌روی شرقی - غربی روستا را با زمین‌های کشاورزی و در ادامه به تپه مرتبط می‌سازد. تل بکیان در حدود یک هکتار وسعت دارد و بلندترین قسمت آن تقریباً ۷ متر از سطح زمین‌های اطراف ارتفاع دارد (تصویر ۱).

#### وضعیت کنونی محوطه

مناسفانه همچون دیگر تپه‌های باستانی در ایران، آسیب‌های انسانی به تل بکیان زیاد است. وجود سازه‌های گلی و خشتی دوره معاصر بر روی تپه، قبور دوره اسلامی که با توجه به تاریخ

عمودی و مثلث‌های توخالی می‌شوند. فرم ظروف به دو دسته دهان‌باز و دهان‌بسته تقسیم می‌شوند. ظروف دهان‌باز با لبه نوک‌تیز و گردشده شامل کاسه‌های عمیق و کم‌عمق می‌شوند که برخی از آن‌ها کف تخت و برخی دیگر پایه دارند. بیشتر کف‌ها از بیرون دارای باند ضخیم هستند و در تنها در یک مورد داخل کف ظرف نیز منقوش است (شکل ۲، شماره ۴). همچنین از فرم برخی از سفال‌ها به نظر می‌رسد که مربوط به جام‌ها پایه‌دار باشند (شکل ۲، شماره ۵). ظروف دهان‌بسته نیز محدود به خمره‌های گردن‌دار بوده و معمولا گردن آن‌ها از بیرون دارای باند ضخیمی به رنگ مشکی و قهوه‌ای است (شکل ۲، شماره ۳) (شکل ۳، شماره ۶).

### صنایع سنگی تپه بکیان

طی بررسی این تپه در مجموع تعداد هشت قطعه مصنوع سنگی به دست آمد. تمام این قطعات با سنگ چرت قهوه‌ای با دو طیف تیره و روشن ساخته شده‌اند. از تعداد کل، پنج قطعه دارای کورتکس هستند. این مجموعه شامل هفت قطعه تراشه و تنها یک تیغه است. تراشه‌های به دست آمده از این مجموعه بدون روتوش بوده و تعدادی از آن‌ها در لبه‌های خود دارای پریدگی در اثر استفاده هستند (شکل ۴). تنها تیغه این مجموعه نیز دارای عرض ۲۷ میلی‌متر و طول ۳۹ میلی‌متر است و در لبه خود دارای پریدگی‌هایی است که نشان از استفاده آن دارد (شکل ۴- شماره ۱). تنها ویژگی قابل ذکر این مجموعه کمبود تیغه در مقابل تعداد بیشتر تراشه است. با

تپه نیز به وسیله گورهای اسلامی پوشیده شده است.

### سفال‌های فاز عتیق تل بکیان

سفال‌های این دوره بیشتر خمیره قهوه‌ای روشن و تعداد کمی نیز خمیره نخودی تیره دارند. ماده چسباننده همه آن‌ها را کاه درشت تشکیل می‌دهد. آثار کاه درشت بر هر دو سطح سفال و در برخی مواقع پوسته ترک‌ترک شده و پوشش دست مرطوب روی سطح سفال از ویژگی‌های آن‌هاست. همگی این سفال‌ها زمخت، پوک و شکننده هستند و بعضی از آن‌ها مغز تیره رنگ دارند. فرم همه این‌گونه سفال‌ها را کاسه‌ها و تگاره‌های دهان‌باز با لبه تیز شده یا گرد تشکیل می‌دهند (شکل ۱).

### سفال‌های دوره فارس جدید

سفال‌های این دوره به فازهای باکون ب ۲ و باکون الف مربوط می‌شوند. این سفال‌ها خمیره نخودی تیره و روشن و ماده چسباننده شن ریز، کاه ریز، ترکیب شن و کاه ریز و در برخی مواقع ماده چسباننده غیر قابل مشاهده دارند. بیشتر سفال‌ها منقوش و رنگ‌های به‌کار رفته را قهوه‌ای تیره، قرمز قهوه‌ای و مشکی تشکیل می‌دهند. همگی سفال‌ها دست‌ساز و دارای پخت کافی هستند. در برخی مواقع نیز حرارت‌دیدگی سفال‌ها بیش از حد معمول بوده و سطح سفال در اثر آن به رنگ سبز گراییده است. نقوش روی سفال‌ها همگی هندسی هستند و شامل لوزی‌ها و مستطیل‌های هاشورخورده، خطوط افقی و

دارای فاز فارس قدیم بسیار کم است (علیزاده ۱۳۷۶:). اما ممکن است در برخی از آن‌ها همچون تل بکیان که سفال‌های سطحی آن به خوبی دوره مذکور را نشان می‌دهند، بتوان توالی گاهشماری استان فارس را بهبود بخشید. ضمن اینکه پراکندگی زیاد سفال‌های فاز باکون الف در این محوطه که گسترده‌ترین فرهنگ پیش از تاریخی فارس شمرده می‌شود، می‌تواند نقش کوچ‌نشینان را در ارتباط با گسترش این فرهنگ بیش از پیش آشکار کند. در مجموع، سفال‌های دوره‌های فارس قدیم و فارس جدید تل بکیان از نظر فرم، خمیره، ماده چسباننده، نقش و شیوه ساخت شبیه گونه‌های مشابه شناخته شده از دشت مرو دشت هستند. سفال‌های دوره فارس قدیم تل بکیان همچنین با سفال‌های فاز عتیق دشت ارسنجان شباهت دارند و می‌توان نمونه‌های آن‌ها را در محوطه‌هایی همچون تل جعفرآباد در ابتدای دشت ارسنجان دید (مشاهدات شخصی ۱۳۸۵). با توجه به اینکه گستره و حوزه نفوذ فرهنگ باکون الف تقریباً شناخته شده، امید است که بتوان گستره فرهنگ عتیق فارس را نیز که می‌تواند در بازشناسی و پویایی فرهنگ‌های محلی نقش داشته باشد، مورد مطالعه قرار داد.

### سپاسگزاری

از آقایان موسی زارع، رحمت نادری (کارشناس بخش پژوهش‌های پارینه‌سنگی موزه ملی ایران به خاطر مطالعه سنگ‌ابزارهای مجموعه) سپاسگزاری می‌شود.

توجه به تاریخ‌گذاری این تپه بر اساس سفال‌ها به دوره نوسنگی جدید؛ در این دوره به طور معمول از قطعات تیغه برای کارهای مختلف استفاده می‌شده است. با توجه به تعداد تراشه‌های کورتکس‌دار و کمبود تیغه و دیگر مصنوعات مصرفی احتمال می‌رود این تپه محل ساخت سنگ‌ابزار در مقیاس یک کارگاه ابزار سازی محلی باشد. البته اظهار نظر در مورد این مسئله با بررسی بیشتر و نظامند سطح تپه مقدور است. در مورد منشاء سنگ این تپه نیز بررسی‌های زمین‌شناسی منطقه لازم می‌نمایند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های اندک به عمل آمده در مناطق شمالی استان فارس و دره‌های میان‌کوهی آن؛ مطالعه ویژگی‌های جغرافیایی، زمین‌باستان‌شناسی، منابع خام و ویژگی‌های زیست-محیطی در این مناطق می‌تواند داده‌های جدیدی را در اختیار پژوهشگران در رابطه با پراکندگی الگوی استقراری قرار دهد. منطقه‌ای در فارس که به‌طور پیوسته مورد توجه باستان‌شناسان بوده، منطقه مرو دشت است و بیشترین منابع شناخت پیش از تاریخ استان فارس را تشکیل می‌دهد. در اینجا با توجه به کاوش‌های گسترده، بر سر اینکه کدامیک از فازهای پیش از تاریخ فارس قدیمی‌تر است، اختلاف نظر وجود دارد. اما به نظر می‌رسد حل این مشکل می‌تواند در محوطه‌های دیگری در خارج از مرو دشت نیز مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت نتیجه‌بخش باشد. درست است که در بررسی دره‌های میان‌کوهی تعداد محوطه‌های

منابع

- Egami, Neomi and Sei- Ichi Masuda, 1958, *Tall-i-Bakun*, a Report of the Archaeological Excavation in Southwestern Iran, Institute for Oriental Culture University Of Tokyo.

- Egami, Neomi and Sei- Ichi Masuda, 1962, *Marv-Dasht I*, The Excavation at Tall-i-Bakun 1956, Institute for Oriental Culture University Of Tokyo

- Egami, Neomi and Toshihiko Sono, 1959, *Marv-Dasht II*, The Excavation at Tall-i-Gap, Tokyo.

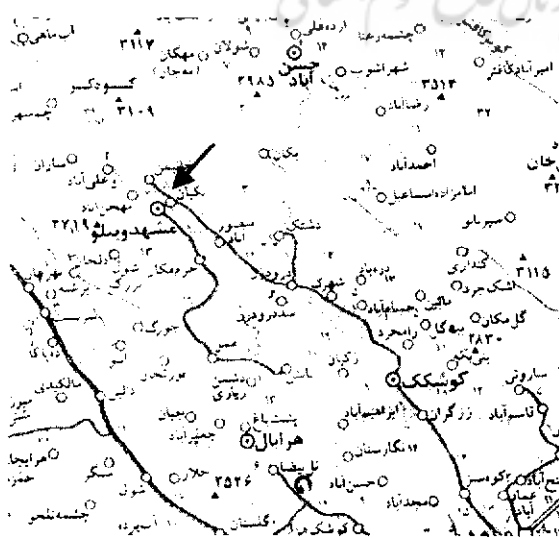
- Miroshedji, P de 1972, *Prospections Archeologiques Dans Les Vallees de Fasa et Darab*, An Article from the Proceeding of the 1<sup>st</sup> Annual Symposium of Archaeological Research in Iran, Iran Bastan Museum, ppl-13.

- Langsdorff, A. and Donald E. MacCown, 1932, *Tall-I-Bakun A*, The University of Chicago Oriental Institute Publication, Vol LIX .

- علیزاده، عباس، ۱۳۸۳، منشأ نهادهای حکومتی در پیش از تاریخ فارس، ترجمه کوروش روستایی، بنیاد پژوهشی پارسه- پاسارگاد، چاپ اول

- علیزاده، عباس، ۱۳۷۶، گزارش توصیفی مقدماتی بررسی های باستان شناسی - انسان شناسی در دره های رود کر ناحیه شمال غربی مرودشت، فارس، گزارش های باستان شناسی ۱، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور/ پژوهشکده باستان شناسی، چاپ اول ۸۹-۶۷ .

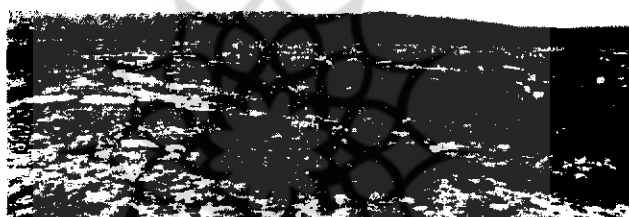
- نگهبان، عزت الله، ۱۳۷۶، مروری بر پنجاه سال باستان شناسی ایران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول.



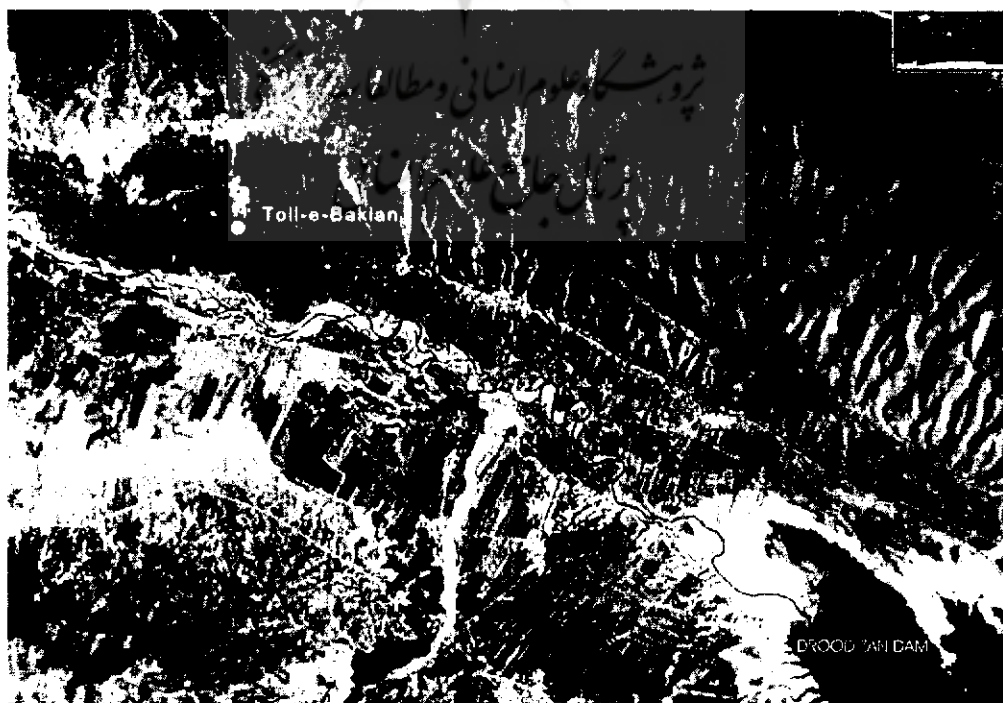
نقشه ۱- موقعیت تل بکیان



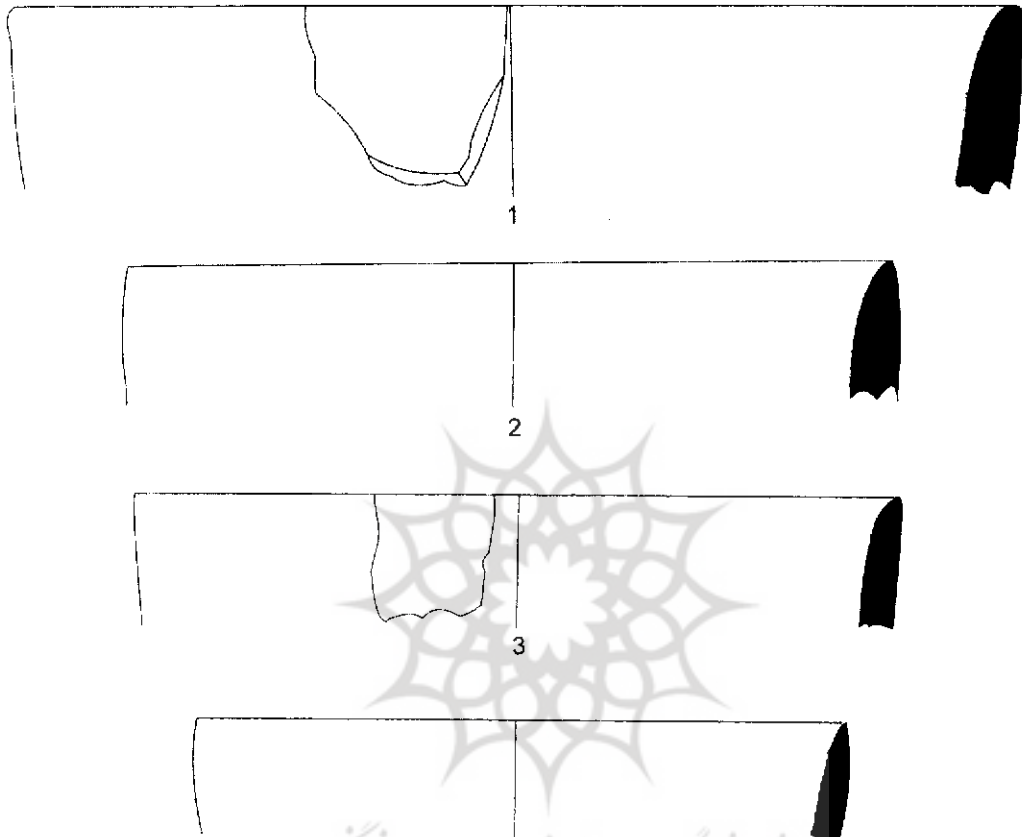
تصویر ۱- تل بکیان، دیدار شرق و شمال شرق



تصویر ۲- گورهای اسلامی در شمال شرق تپه و روستای بکیان در شرق

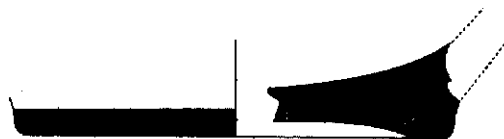
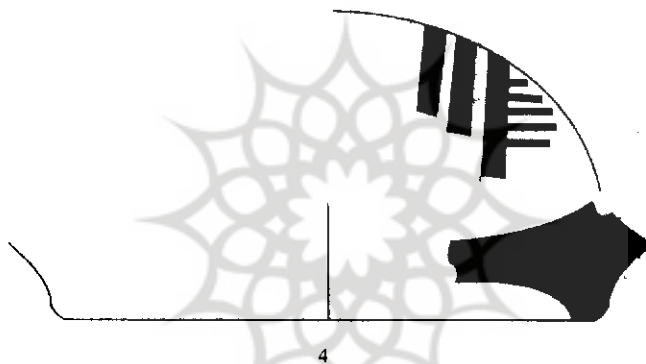
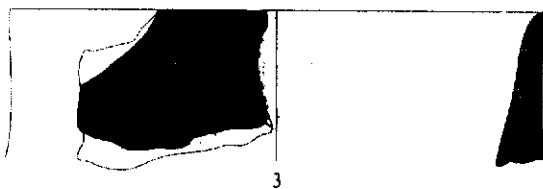
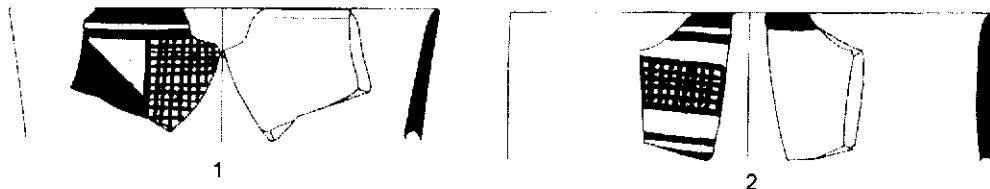


تصویر ۳- تل بکیان و موقعیت آن نسبت به رودخانه کر و سد درودزن

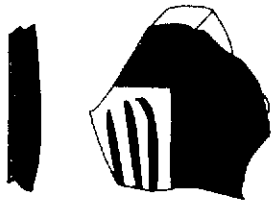


شکل ۱- سفال های فاز آرکئیک تل نکیان (مقیاس ۱/۲)  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

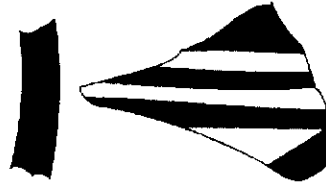




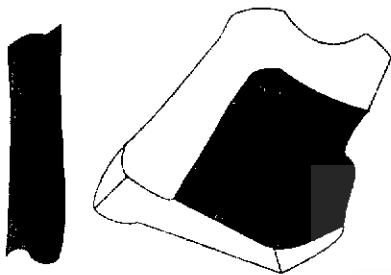
شکل ۲- فرم لیه و کف های باکون ب؟ و باکون الف به دست آمده از تل بکیان  
 ۱-۳ (مقیاس ۱/۲) و ۴-۶ (مقیاس ۱/۱)



1



2



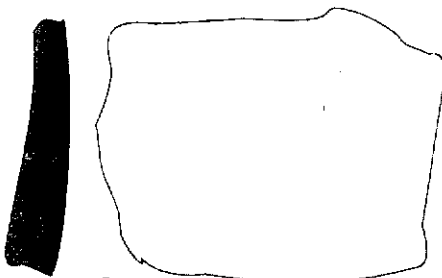
3



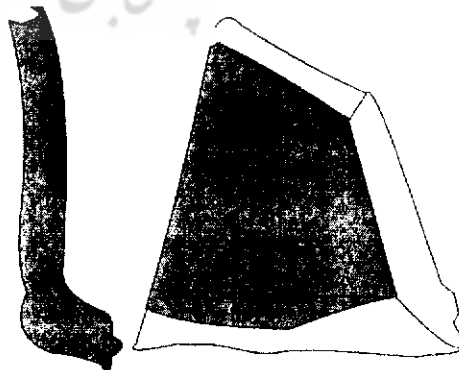
4



5

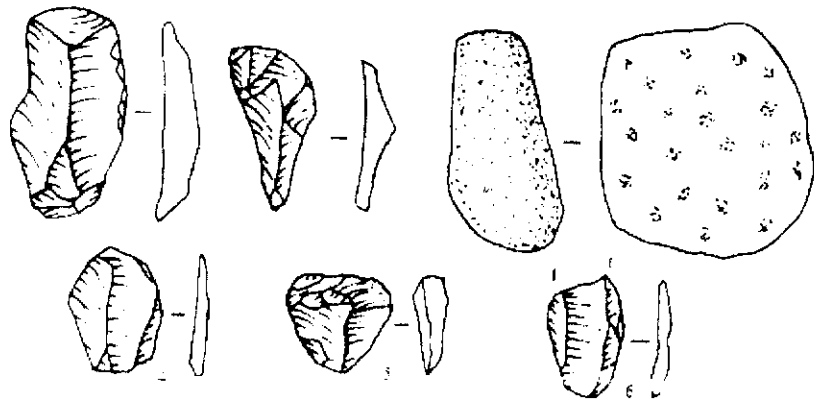


7



6

شکل ۳- فرم و نقوش بدنه سفال های عمیق و باکوں الف نئ بکیان (مقیاس ۱/۱)



شکل ۴- مصنوعات سنگی به دست آمده از تل بکیان (مقیاس ۱/۱)

ردیف	توصیف	دوره	منبع مقایسه
۱	حمیره قهوه‌ای روشن، ماده چسبناکه کاه درشت، مغز خاکستری روشن. آثار کاه درشت روی هر دو سطح سفال، دست ساز	عتیق باکون ب ۱	Egami & Masuda, 1958, p35, fig 18: 20 Egami & Masuda, 1962, p 35, fig 18: 4
۲	حمیره قهوه‌ای روشن، ماده چسبناکه کاه درشت، آثار کاه درشت روی هر دو سطح سفال، پوشش دست مرطوب روی هر دو سطح، دست ساز	"	Egami & Masuda, 1958, p35, fig 18: 5 Egami & Masuda, 1962, p35, fig 19: 28
۳	حمیره قهوه‌ای روشن، ماده چسبناکه کاه درشت، پوشش دست مرطوب روی هر دو سطح، پوسته ترک ترک شده، دست ساز	"	Egami & Masuda, 1958, p35, fig 18: 9a Egami & Masuda, 1962, p35, fig 18: 12
۴	حمیره نخودی تیره، ماده چسبناکه کاه درشت، آثار کاه درشت روی هر دو سطح سفال، آثار رنگ فرمز روی سطح بیرون سفال، دست ساز	"	Egami & Masuda, 1958, p35, fig 18: 24 & 25 Egami & Masuda, 1962, p35, fig 19: 24

کاتالوگ ۱- توصیف سفال‌های فاز عتیق تل بکیان

ردیف	توصیف	دوره	منبع مقایسه
۱	حمیره نخودی تیره، ماده چسبناکه شن ریزه، پوشش دست مرطوب روی سطح داخل، رنگ نقش قهوه‌ای تیره، دست ساز	باکون ب ۲ یا باکون الف	Egami & Masuda, 1962, p32, fig 15: 5
۲	حمیره نخودی تیره، ماده چسبناکه شن ریزه، حرارت دیدگی بیش از حد، رنگ نقش مشکلی، دست ساز	باکون الف	Egami & Masuda, 1962, p91, fig 21: 7 شماره ۱۳ علیراده ۱۳۸۳ ص ۲۷۳ ش ۳*
۳	حمیره نخودی متمایل به زرد، ماده چسبناکه کاه ریزه، رنگ نقش قهوه‌ای تیره، دست ساز		Egami & Masuda, 1962, p81, fig 11: 4
۴	حمیره نخودی تیره، ماده چسبناکه شن ریزه، رنگ نقش داخل ظرف مشکلی و رنگ نقش خارج آن قهوه‌ای روشن، دست ساز	باکون ب ۲ یا باکون الف	
۵	حمیره نخودی روشن، ماده چسبناکه غیر قابل مشاهده، رنگ نقش مشکلی، دست ساز	باکون الف	Egami & Masuda, 1962, p82, fig 12: 1 and 5
۶	حمیره نخودی تیره، ماده چسبناکه غیر قابل مشاهده، حرارت دیدگی بیش از حد، رنگ نقش مشکلی، دست ساز		Egami & Masuda, 1962, p22, fig 11: 9

کاتالوگ ۲- توصیف لبه و کف‌های به دست آمده از تل بکیان

ردیف	توصیف	دوره	منبع مقابله
۱	خمیره نخودی متمایل به زرد، ماده چسباننده شن ریز، رنگ نقش مشکلی، دست ساز	باکون الف	Egami & sono 1962, p85, fig15: 2
۲	خمیره نخودی روشن، ماده چسباننده شن و کاه ریز، پوشش دست مرطوب روی سطح داخل، رنگ نقش قهوه‌ای تیره، دست ساز	"	Egami & sono 1962, p90, fig120: 11
۳	خمیره نخودی تیره، ماده چسباننده شن و کاه ریز، پوشش نخودی متمایل به کرم روی سطح بیرون، رنگ نقش قرمز قهوه‌ای، دست ساز	"	علیزاده ۱۳۸۳ ص ۳۰۳ ش ۳۸ شماره ۳
۴	خمیره نخودی تیره، ماده چسباننده غیر قابل مشاهده، حرارت دیدگی بیش از حد سفال، رنگ نقش مشکلی، دست ساز	"	Egami & Masuda, 1958, p19, fig 8: 13 Egami & Masuda, 1962, p32, fig 15: 3 علیزاده ۱۳۸۳ ص ۲۷۲ ش ۲۳ شماره ۳۱
۵	خمیره نخودی تیره، ماده چسباننده شن و کاه ریز، پوشش دست مرطوب روی سطح بیرون، رنگ نقش مشکلی، دست ساز	"	Egami & sono 1962, pl XXI: 8 Langsdorff, A. and D. McCown 1932, pl 49: 15 Miroshedji, P. 1972 fig, 4: 16
۶	خمیره نخودی تیره، ماده چسباننده شن ریز، درات سفید رنگ داخل خمیره، رنگ نقش قرمز قهوه‌ای، دست ساز	"	Egami & sono 1962, p87, fig17: 1
۷	خمیره نخودی تیره، ماده چسباننده کاه درشت، پوشش غلیظ قرمز آجری روی هر دو سطح، دست ساز	عشق باکون ب ۱	

کاتالوگ ۳- توصیف بدنه‌های ساده و منقوش تل بکیان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی